

اخبار

حسن فتحی پرونده «زازیل» را بست

انصراف از تولید فصل دوم



کارگردان مجموعه «زازیل» با انتشار متنی در صفحه شخصی خود از ادامه تولید این سریال در فصل دوم انصراف داد.

به گزارش ایرنا، حسن فتحی کارگردان سریال «زازیل» که روز گذشته آخرین قسمت از فصل نخست آن در نمایش خانگی منتشر شد، با انتشار متنی در صفحه مجازی خود از تولید فصل دوم این سریال کناره‌گیری کرد.

فتحی نوشت: فصل اول سریال زازیل پایان یافت، و بنده ضمن قدردانی از مخاطبان این مجموعه نمایشی و تشکر از اهالی نقد و نظر و رسانه هایی که نقیاً یا اثباتاً مطالبی را درباره این اثر به رشته تحریر در آوردند، بنا به دلایلی، انصراف رسمی خود را از ساخت فصل دوم این مجموعه اعلام می‌کنم.

وی در این متن همچنین به «دخالت‌های غیرحرفه‌ای» برخی عوامل که را «قسمت‌های پخش شده در فصل اول، متحمل آسیب‌ها و صدماتی در تدوین کرد» و «اختلاف‌های مالی میان تهیه‌کننده و پلتفرم پخش‌کننده» اشاره کرد و نوشت: هر چند اینجانب به یاری همکارانم، تصویربرداری بیش از ۸۰ درصد فصل دوم این سریال را در شرایطی مرارت بار به انجام رسانده ایم، اما اکنون در اعتراض انصراف خود را از ادامه کار اعلام کرده و در صورت پخش فصل دوم این اثر با هر صورت و هر نوعی، مسئولیتی در قبال کیفیت آن بر عهده نخواهم داشت!

فصل نخست مجموعه «زازیل» به کارگردانی حسن فتحی و تهیه‌کنندگی حسن خدادادی روز گذشته پس از انتشار ۱۳ قسمت پایان یافت.

ایران، مهمان ویژه نمایشگاه کتاب ۲۰۲۶ عراق شد



سنگگو و قائم مقام سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، از حضور ایران به‌عنوان مهمان ویژه نمایشگاه کتاب عراق ۲۰۲۶ خبر داد.

به گزارش ایرنا از روابط عمومی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ابراهیم حدیری با اشاره به حضور رئیس اتحادیه ناشران عراق در خانه کتاب و ادبیات ایران، بیان کرد: با حضور رئیس اتحادیه ناشران عراق، اقدامات نهایی برای جامبایی نمایندگان نشر این کشور در سی‌وششمین دوره نمایشگاه کتاب تهران، به‌عنوان بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور در حال پیگیری است. وی درباره برخی محورهای گفت‌وگو در دیدار رئیس اتحادیه ناشران عراق، ادامه داد: در دیدار با اعضای هیات عراقی و عبدالوهاب راضی، رئیس اتحادیه ناشران عراق مقرر شد تا ایران، به‌عنوان مهمان ویژه در نمایشگاه ۲۰۲۶ کتاب عراق، غرفه داشته باشد.

سی‌وششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، با شعار «بوخانیم برای ایران» ۱۷ تا ۲۷ اردیبهشت‌ماه در مصلی امام‌خمینی (ره) برگزار می‌شود.

سیاستگذاری فرهنگی یک فرآیند است، نه یک پروژه که تمام شود و کنارش بگذاریم. مثل چرخه‌ای که از شناخت مسئله شروع می‌شود، به تحلیل و گزینہ‌سازی می‌رسد، اجرا می‌شود و دوباره ارزیابی می‌گردد. اما کلید همه چیز در همان گام اول است: شناخت درست و به‌موقع مسئله.

مسائل فرهنگی عمر دارند:

در گام اول مسائل پنهانند، مثل بذری زیر خاک. مثل سرمایه‌گذاری خارجی روی جوانان و زنان در عراق؛ الان شاید اثری نبینیم، اما چند سال دیگر مشکلات فرهنگی‌اش دامن‌گیر می‌شود.

در گام دوم، مسائل نوظهور قرار دارند، مثل BTS و دیگر گروه‌های کره ای که آرام‌آرام بین نوجوانان ایرانی جا باز کرده است.

در گام سوم، مسائل به آسیب تبدیل می‌شوند، مثل بدحجابی که حالا در شهرهای مذهبی هم فراگیر شده، اما هنوز تبعاتش همه‌جا را نبرده است. در گام چهارم یعنی در مرحله بحران، کار پیچیده می‌شود؛ مثل طلاق که به فساد اجتماعی و کودکان بی‌سرپرست منجر شده است؛ و در گام پنجم به فاجعه میرسیم که حیات کل سیستم در خطر است، مثل بحران جمعیت که می‌تواند آینده تمدنی ایران را تهدید کند.

این چرخه نشان می‌دهد که مسئله فقط یک اتفاق نیست؛ یک زنجیره است که اگر به‌موقع مهارش نکنیم، از دستانم درمی‌رود.

چگونه با مسئله روبه‌رو می‌شویم؟ چهار مدل، یک انتخاب

به گزارش تابناک، سیاستگذاری فرهنگی را می‌شود با دو سؤال سنجید: چقدر به مردم اهمیت می‌دهیم؟ و چقدر فعلاانه عمل می‌کنیم؟ جواب این سؤال‌ها، ما را به چهار مدل سیاستگذاری می‌رساند:

_ مدل عقلانی: فعال است، اما فقط نخبگان را می‌بیند. مثل پزشکی که بدون پرسیدن نظر بیمار، جاقو را برمی‌دارد و عمل می‌کند. بدحجابی را مثلاً با قانون و بگیروبند حل می‌کند، بدون توجه به ریشه‌ها یا نظر جامعه.

_ مدل تدریجی: آرام پیش می‌رود و به ارزش‌های مردم اهمیت می‌دهد. مثلاً با گفت‌وگو و برنامه‌های آموزشی سعی می‌کند فرهنگ حجاب را جا بیندازد، اما سرعتش کم است و گاهی از مسائل عقب می‌ماند. _ مدل اجتماعی: هم فعال است، هم مشارکت‌جو. با گفت‌وتمان‌سازی و ا قناع عمومی، مثل کمپین‌های هوشمند فرهنگی، هم ریشه‌ها را می‌بیند و هم جامعه را همراه می‌کند.

_ مدل بحران: دیر بیدار می‌شود و مجبور است اقتدارگرایانه عمل کند. مثلاً وقتی بدحجابی به اوج می‌رسد، گشت ارشاد را می‌فرستیم، بدون اینکه وقت داشته باشیم ریشه‌ها را بکاویم یا مردم را قانع کنیم. متأسفانه، مدل غالب ما بحران است. در فرهنگ، مثل اقتصاد، همیشه منتظریم تا کار به جاهای باریک بکشد. شاید، چون شناخت به‌موقع نداریم و اعتماد

چرا نمی توانیم بحران های فرهنگی را حل کنیم؟

نه فرصت تحلیل داریم، نه مجال گفت‌وگو

گروه فرهنگ و هنر - فرهنگ در ایران مثل بیماری است که علائمش را می‌بینیم، اما درمانش را به تعویق می‌اندازیم. از بدحجابی در خیابان‌ها تا نفوذ موج محصولات فرهنگی کره‌ای در اتاق نوجوانان، مسائل فرهنگی مدام سر برمی‌آورند، اما انگار همیشه یک قدم عقبیم. چرا؟ چون سیاستگذاری فرهنگی ما اغلب در دام بحران گیر کرده؛ نه فرصت تحلیل داریم، نه مجال گفت‌وگو.



مسئله بعدی نفوذ فرهنگی است. فرهنگ کره‌ای با سریال‌ها و گروه‌های موسیقی‌اش، آرام‌آرام بین نوجوانان جا باز کرده است. هنوز نوظهور است، اما اگر غفلت کنیم، به آسیب و بحران می‌رسد. چاره چیست؟ تولید محتوای جذاب داخلی، نه فقط موزعه و منوع.

چرا فعال نیستیم؟ غفلت یا ناتوانی؟

چرا همیشه دیر می‌رسیم؟ بخشی به غفلت برمی‌گردد. مثلاً سال‌هاست می‌دانیم بدحجابی ریشه در تغییر سبک زندگی دارد، اما به‌جای کار فرهنگی عمیق، به قانون و گشت پناه برده‌ایم.

بخشی هم به ناتوانی است؛ اعتماد عمومی کم شده و سرمایه اجتماعی برای جراحی‌های بزرگ فرهنگی نداریم. مثل بیماری که از چاقوی جراح می‌ترسد، چون نمی‌داند نتایجش می‌دهد یا نابودش می‌کند.

در عراق، سرمایه‌گذاری خارجی و غربی روی زنان و جوانان را می‌بینیم، مثلاً رستوران کره‌ای در بغداد زود دیده می‌شود، اما به لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ و سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی غربی‌ها که موجودیت و امنیت ما را به مخاطره خواهد انداخت و انداخته است، توجه نمی‌کنیم و فقط سطح را می‌بینیم.

امین حیایی بلیت بخت آزمایی برد، پژمان جمشیدی متعادل شد

گزارش گیشه سینما در هفته‌ای که گذشت

سینمای ایران در هفته گذشته و با اکران ۹ فیلم سینمایی ۴۶۸ هزار مخاطب را به سینما آورد و این میزان از مخاطب، ۳۵ میلیارد تومان برای گیشه به ارمغان آوردند.

به گزارش خبرآنلاین، سینمای ایران تا ابتدای ۲۲ فروردین ۱۴۰۴،

شاهد موفقیت‌هایی در فروش فیلم‌های اکران شده بوده است. از کمدی پر فروش «دایناسور» گرفته تا درام مذهبی «موسی (ع)»، سینمای ایران در حال تجربه دوران بهتری است. فیلم‌هایی همچون «دایناسور» در ژانر کمدی، «موسی (ع)» در ژانر مذهبی و «پسر دلفینی ۲» انیمیشنی در ژانر کودک مخاطبان زیادی را به سینما آوردند. در واقع از زمان شروع اکران نوروز یعنی ۱۴۰۳ اسفند ۱۴۰۳ تا کنون در مجموع دو میلیون و ۷۵۰ هزار مخاطب به سینما رفتند که یکی از دلایل این ماحرا وجود تنوع ژانری در برنامه اکران است. این میزان از مخاطب با قیمت بلیت سینمای درجه یک که ۱۱۰ هزار تومان است تا کنون ۳۳۰ میلیارد تومان را برای مجموع اکران ۹ فیلم ثبت کرده‌اند و در ادامه به پنج فیلم صدر نشین گیشه می‌پردازیم.

فیلم سینمایی «دایناسور» به کارگردانی مسعود اطیابی در جایگاه اول گیشه قرار دارد. این فیلم در مجموع ۹۵ میلیارد تومان فروش داشته است و در هفته گذشته نیز ۱۱ میلیارد تومان فروش را تجربه کرده است.

قصه این فیلم درباره فردی معتاد به نام رضا دایناسور با بازی

پژمان جمشیدی که برای فرار از اخراج مجبور به ارائه گواهی عدم اعتیاد است. او با روش‌های گوناگون تلاش می‌کند تا آثار مواد را از بدن خود پاک کند، اما در روز آزمایش اتفاقاتی می‌افتد که زندگی همه را به هم می‌ریزد.

فیلم سینمایی «موسی(ع)» به کارگردانی ابراهیم حاتم‌کیا که در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و ۵ سیمرغ دریافت کرد از زمان اکران تا کنون ۴۲ میلیارد تومان و در یک هفته گذشته ۷ میلیارد تومان رفوش را تجربه کرده است.

فیلم تاریخی و مذهبی «موسی (ع)» روایت‌گر داستان زندگی حضرت موسی (ع) و معجزات و مبارزات ایشان در برابر فرعون است.

فیلم سینمایی «کوتکل مولوتف» به کارگردانی حسین دوماری نیز در هفته گذشته ۶ میلیارد تومان و به مجموع ۳۶ میلیارد تومان فروش داشت و در جایگاه سوم گیشه قرار داشت، این فیلم با بازی

امین حیایی و ستاره پسپانی داستان جوانی است که در آستانه

انقلاب ۵۷ برنده بلیت بخت‌آزمایی می‌شود و تلاش دارد تا این پول

را به دست‌آورد.

فیلم سینمایی «رها» به کارگردانی حسام فرهمند نیز در هفته

گذشته فروش ۳.۵ میلیارد تومانی را تجربه کرد، این فیلم که از

آثار اکران شده در جشنواره به شمار می‌آید با فروش ۲۲.۵ میلیارد

تومانی در جایگاه چهارم گیشه قرار دارد.

فرهنگ و هنر

خبر

خالق حماسه «رمبو» سیلوستر استالونه از دنیا رفت



سازنده فیلم سینمایی «اولین خون» در ۹۴ سالگی درگذشت. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از ورائتی، تد کافچ فیلمساز کانادایی که سیلوستر استالونه را با «اولین خون» اولین فیلم از مجموعه «رمبو» به شهرتی ویژه رساند و کمدی‌هایی مانند «آخر هفته در برنی»، «شوخی با دیک و جین» و «کارآموزی دادی کروایتز» را در کارنامه داشت، پنجشنبه درگذشت. او ۹۴ ساله بود.

کافچ پس از شروع کار خود در تلویزیون کانادا و کار در صنعت بریتانیا، ابتدا با فیلم هیجان انگیز استرالیایی «بیدار شدن در وحشت» و سپس با فیلم سال ۱۹۷۴ خود «کارآموزی دادی کروایتز» اقتباسی از رمان سال ۱۹۵۹ مردخی ریچلر خرس طلایی جشنواره فیلم برلین را به خانه برد و نامزدی جایزه اسکار بهترین فیلمنامه اقتباسی (برای ریچلر و لئونل جویونید) را به دست آورد. این موفقیت آغاز راه کافچ در صنعت فیلم آمریکا شد. در سال‌های بعد، کافچ زیر پرچم دیک ولف به عنوان تهیه کننده و کارگردان در سریال «قانون و نظم» کار کرد.

ولف در مورد کافچ گفت: تد بیش از ۱۳ سال بخشی جدایی ناپذیر از خانواده «نظم و قانون» بود. او نه تنها یک تهیه کننده و کارگردان عالی بود، بلکه دوست صمیمی هم بود. دلم برای او تنگ خواهد شد.

در هالیوود، کافچ موفقیت‌های قابل توجهی در گیشه به دست آورد که طنز ناشویی «شوخی با دیک و جین» و سال ۱۹۷۷ از بازی جورج سگال و جین فوندا و درام فوتبالی «شمال دالاس چهل» با بازی نیک نولتی در سال ۱۹۷۹ از جمله آنها بودند. او و ماندگارترین فیلم بلندش را سال ۱۹۸۲ با «اولین خون» با بازی سیلوستر استالونه ساخت که درباره یک سرباز شکنجه شده و جنگ زده از جنگ ویتنام بود.

این فیلم با بازی استالونه که در نوشتن فیلمنامه نیز مشارکت داشت) به یک نماد اکشن آمریکایی بدل شد و به این بازیگر پس از بازی در راکی بالبوآ شخصیت سینمایی دوباره‌ای بخشید. این فیلم همچنین بزرگ‌ترین پیروزی تجاری کافچ را رقم زد و مندرههین فیلم پر فروش سال شد و در پی آن یک مجموعه اکشن با ۴ فیلم بعدی ساخته شد که آخرینش در سال ۲۰۱۹ بود.

کافچ در سال ۲۰۱۴ درباره فیلمسازی خود گفت که از آنتون چخوف الهام گرفته و افزود: من قاضی شخصیت‌هایم نیستم و این بخشی از باور هنری من شده است.

وی یک فیلم دیگر درباره ویتنام با عنوان «شجاعت غیرمعمول» در سال ۱۹۸۳، به تهیه‌کنندگی جان میلیوس و با بازی جین مکمن ساخت و پس از آن به دنیای کمدی بازگشت و با فیلم «آخر هفته در برنی» محصول ۱۹۸۹ با بازی اندرو مک‌کارتی و جاناتان سلورمن، به موفقیت دیگری دست یافت.

کافچ که ۷ آوریل ۱۹۳۱ در روتنو، انتاریو به دنیا آمده بود از دانشگاه روتنو در رشته ادبیات انگلیسی فارغ التحصیل شد و سپس در دهه ۵۰ در تلویزیون کانادا به کارگردانی درام تلویزیونی پرداخت. پس از نقل مکان به بریتانیا برای به دست آوردن فرصت‌های بهتر فیلمسازی، وی اولین کارگردانی خود را در سال ۱۹۶۲ با کمدی «نیار تاهیتی» با بازی جیمز میسون ۵۰ساله انجام داد. اگرچه سرعت فیلمسازی کافچ در دهه ۹۰ کاهش یافت و وی از آغاز قرن جدید دیگر فیلم سینمایی جدیدی را کارگردانی نکرد اما به کار در تلویزیون و کارگردانی فیلم‌های تلویزیونی ادامه داد و به عنوان تهیه کننده اجرایی و کارگردان «نظم و قانون» برای شبکه ان‌بی‌سی به مدت بیش از یک دهه کار کرد.

سال ۲۰۱۱ وی با جایزه یک عمر دستاورد هنری از سوی انجمن کارگردانان کانادا تجلیل شد.



تجاری و بازار موسیقین توجه کرده است.

وی افزود: در سند ملی موسیقی به نظام پراکنده‌ای برای حمایت از موسیقی ایرانی توجه نشده است. منهای ایرادات جدی که سند دارد، اساسا دغدغه سند موسیقی، حمایت از موسیقی سنتی و هنر ایرانی نیست، امین سند نیازمند تحول بنیادین است، نهادهایی همچون آموزش و پرورش، شورا‌های آیین، پلیس و نهادهای امنیتی که در موسیقی حضور دارند، باید در سند و اجرای آن تمرین پذیر باشند.

جوازده بیان کرد: اگر سند ملی موسیقی به عنوان سند سیاستگذاری با هدف حمایت و اصلاح وضعیت هنر موسیقی شکل گرفته است، باید در متنتش، بندهای مشخصی در دفاع، حمایت و اشاعه موسیقی ایرانی باشد، باید نهادهای را مکلف کند تا از این گونه موسیقی حمایت کنند، گویا برخی مدیران در سطوح بسیار کلان سیاستگذاری فرهنگی تا سطوح خرد باور ندارند که موسیقی ایرانی، موسیقی چند هزارساله است که باید حمایت و حفظ شود، اهمیت حفظ آن را درک نکردند و به حفظ میراث فرهنگی ما در حوزه موسیقی ایرانی باور ندارند و این درد و غم بزرگ در دل‌های ما اهالی موسیقی ایرانی است.

اجرایی نشدن سند ملی موسیقی

عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات درباره تصویب سند ملی موسیقی و اهمیت این سند در ارتقای گونه موسیقی سنتی ایرانی گفت: با توجه به پژوهش‌هایی که یک سال اخیر انجام داده‌ام، سند موسیقی تصویب شده است، اما در حال اجرا نیست، در این سند هم هیچ خبری برای موسیقی ایرانی نیست، مقدمات و سختانی که درباره موسیقی و واژه موسیقی ایرانی اسلامی که برای نخستین بار در این عالم مطرح شده است را باید کنار بگذاریم، متن اولیه این سند در نهایت در خدمت موسیقی پاپ قرار گرفته و به توسعه اقتصاد موسیقی، گونه‌های